

بسم الله الرحمن الرحيم

غیبت و فلسفه غیبت امام مهدی علیه السلام

۱. نگاه تاریخی

وقتی به تاریخ صدر اسلام و حتی پیش از آن می‌نگریم، به خوبی می‌بینیم که جبهه کفر و باطل، برای مقابله با جبهه حق و نابودی آن، از هیچ اقدامی فروگذاری نکرده و در این راه، حتی از کشتن پیشوایان دین نیز ابایی نداشته است. آنان، به خوبی می‌دانستند ادامه حکومت دنیایی و سیطره بر مردم و کسب منافع نامشروع، زمانی امکان پذیر خواهد بود که پیشوایان دین و هادیان حق را از سر راه خود بردارند؛ لذا شهادت امامان علیهم السلام در دستور کار خلفای جور قرار گرفت.

آنچه به وحشت و اضطراب حاکمان خودکامه می‌افزود، وعده ظهور حضرت مهدی علیه السلام با عنوان منجی و مصلح بود؛ از این رو خلفای معاصر امام حسن عسکری علیه السلام آن حضرت را به شدت تحت نظر داشتند؛ تا وقتی فرزندش به دنیا می‌آید، او را همان ابتدای زندگی، به شهادت برسانند؛ بنابراین بسیار طبیعی است که خداوند، آخرین حجت خود را در پرده غیبت قرار دهد؛ تا جان او حفظ شود و در موعد مقرر و زمانی که مردم، آمادگی ظهور داشتند، ظهور کرده و جهان را پر از عدل و داد نماید.

۲. نگاه روایی

در روایات، به علت و حکمت‌های متعددی اشاره شده است که آن‌ها را مورد توجه قرار می‌دهیم:

الف. غیبت؛ سری از اسرار الهی

در برخی روایات آمده است که غیبت امام مهدی علیه السلام سری از اسرار الهی است که حکمت آن، بر بندگان، پوشیده بوده و بعد از ظهور حضرت، روشن خواهد شد.

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود:

علی بن ابی طالب، پس از من، امام امت و خلیفه من بر آن‌ها خواهد بود. قائم منتظری که زمین را - همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد - از عدل و داد پر کند، از فرزندان اوست. و قسم به خدایی که مرا بشارت دهنده و بیم دهنده، مبعوث فرمود، کسانی که دوران غیبتش، بر اعتقاد بدو ثابت باشند، از کبریت احمر کمیاب‌ترند»، آن گاه جابر بن عبد الله انصاری برخاست و گفت: «آیا قائمی که از فرزندان تو است، غیبت دارد؟» فرمود: «به خدا سوگند! چنین است؛ تا در آن غیبت، مؤمنان باز شناخته شده و کافران نابود شوند. ای جابر! این امر، از امور الهی و سری از اسرار ربوبی و مستور از بندگان خدا است. مبدا در آن، شک کنی که شک در امر خدای تعالی، کفر است»^۱.

ب. حفظ جان امام

در روایات فراوان، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که مردی از خاندان من به نام «مهدی» قیام خواهد کرد و بنیان ستم را واژگون خواهد ساخت. فرمانروایان غاصب و ستمگر عباسی که به خوبی می‌دانستند حکومت و امامت بر مردم به نصّ پیامبر صلی الله علیه و آله حق امامان معصوم علیهم السلام است و آنان به ناحق بر مسند قدرت تکیه زده‌اند، با اطلاع از این روایات، در پی آن بودند که همان ابتدای ولادت امام مهدی علیه السلام آن حضرت را به قتل برسانند و بقای حکومت خود را

تضمین کنند؛ از این رو، ولادت پنهانی و سپس غیبت آن بزرگوار امری بسیار طبیعی است.

امام صادق علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که حضرت فرمودند:

«لَا بُدَّ لِلْغُلَامِ مِنْ غَيْبَةٍ» فَقِيلَ لَهُ: «وَلِمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟» قَالَ: «يَخَافُ الْقَتْلَ»؛

«آن جوان، ناچار می‌باید غایب شود». عرض کردند: «یا رسول الله! برای چه غیبت می‌کند؟» فرمود: «می‌ترسد او را بکشند»^۲.

زراره از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند:

«إِنَّ لِلْغُلَامِ غَيْبَةً قَبْلَ ظُهُورِهِ». قُلْتُ: «وَلِمَ؟» قَالَ: «يَخَافُ» وَ أَوْمَأَ يَدَهُ إِلَى بَطْنِهِ. قَالَ زُرَّارَةُ: «يَعْنِي الْقَتْلَ»؛

«برای آن جوان، پیش از ظهورش غیبتی است». گفتم: «برای چه غیبت می‌کند؟» فرمود: «می‌ترسد» و با دست به شکم خود اشاره نمود؛ یعنی می‌ترسد او را بکشند»^۳.

مرحوم شیخ طوسی بعد از بیان روایاتی درباره فلسفه غیبت می‌نویسد:

آنچه از اخبار درباره حکمت و فلسفه غیبت آمده است (مانند امتحان شیعه) این‌ها به عنوان حکمت و فلسفه غیبت نیست؛ بلکه اثر و نتیجه غیبت برای شیعیان است. سبب و فلسفه غیبت، همان ترس از کشته شدن امام مهدی علیه السلام به وسیله دشمنان است.^۴

ج. اجرای سنت پیامبران

یکی از راهکارهایی که در زندگی پیامبران مشاهده می‌شود، استفاده از حالت غیبت است. آنان وظیفه دارند مردم را به سوی خدا راهنمایی کرده و دین الهی را به آنان ارائه نمایند؛ از این رو، باید برای انجام این مسؤلیت مهم، برنامه مناسب داشته باشند. چون دشمنان خدا برای نابودی دین حق، از هیچ عملی - حتی کشتن پیامبران -

برای فرجش چه کردیم؟

الحمد لله رب العالمین

غیبت و فلسفه

غیبت امام مهدی

عبدالله العباسی
فرج الله الباقی

از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

وقتی خداوند همراهی و همنشینی ما را برای قومی خوش ندارد،
ما را از میان آن‌ها برگیرد.^۸

و. امتحان و غربال انسانها

یکی از سنت‌های الهی، امتحان و آزمایش مردم در فراز و نشیب زندگی است؛ تا مقدار پایداری و استواری آن‌ها در مسیر صحیح زندگی انسانی روشن شود و از این گذر، افراد شایسته، به پاداش نیک نایل شوند. غیبت امام زمان علیه السلام یکی از آزمون‌های دشوار است؛ تا دین‌داران، شناخته شده و به آنچه سزاوار آنند، برسند.

در روایتی از امام صادق علیه السلام درباره غیبت آمده است:

بر خداوند لازم است که بندگان را امتحان کند. آن موقع است که اهل باطل، تردید خواهند کرد.^۹

پی‌نوشت:

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۲۵، ح ۷.
۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۰، ح ۱.
۳. همان، ص ۹۱، ح ۵.
۴. غیبت طوسی، ص ۳۳۵.
۵. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۴۴، ح ۶.
۶. همان، ح ۱.
۷. همان، ح ۴.
۸. علل الشرایع، ص ۲۴۴، باب ۱۷۹، ح ۲.
۹. همان، ج ۵۲، ص ۹۵، ح ۱۰.

روی گردان نبودند، پیامبران، به امر الهی در مواردی، از حالت غیبت استفاده می‌کردند. امامت امام مهدی علیه السلام در راستای نبوت و رسالت پیام آوران الهی است، و روشن است که خداوند، به علت مشابَهت، برای ایشان نیز چنین راهکاری در نظر بگیرد.

سدیر از پدرش از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

«برای قائم ما غیبتی است که مدت آن به طول می‌انجامد». گفتیم: «ای فرزند رسول خدا! آن برای چیست؟» فرمود: «زیرا خدای تعالی می‌خواهد در او سنت‌های پیامبران را در غیبت‌هایشان جاری کند».^{۱۰}

د. آزادی از بیعت با ظالمان

قیام بر ضد حاکمان شرک و ظلم و برقراری حکومت عدل، از وظایف اصلی امام مهدی علیه السلام قرار داده شده است و چنین مسؤلیتی با بیعت با آنان سازگار نیست، و از سوی دیگر، این جنبش بزرگ و بی‌نظیر، نیازمند فراهم شدن شرایط آن است، آن بزرگوار در پرده غیبت قرار گرفتند؛ تا در زمان مناسب و بدون نقض پیمان، بتوانند قیام کنند.

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

صاحب این امر، ولادتش بر این خلق پنهان است؛ تا چون ظهور کند، بیعت احدی بر گردنش نباشد.^{۱۱}

در روایتی از امام رضا علیه السلام علت غیبت، این‌گونه بیان شده است:

برای این که آن زمان که با شمشیر قیام می‌کند، کسی بر عهده او بیعتی نداشته باشد.^{۱۲}

ه. تأدیب مردم

کوتاهی و ناسپاسی مردم در نعمت الهی و کفران آن، گاهی باعث محروم شدن از آن می‌شود. نعمت ولایت و امامت امام نیز نعمت بی‌بدیلی است که قدر شناسی آن، موجب می‌شود انسان‌ها از رهبری او محروم شوند.